

سید صادق نبوی

مدرس دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مفتح شهر ری

دانشجوی دکترای روان‌شناسی

هم می‌تواند استاد تو باشد

تعبیر

نقش هنر در پرورش خلاقیت و ارتقای سلامت روانی دانش‌آموزان

مقدمه

اغلب با حرکت‌های موزون بدنی همراه است. کودک از همان هنگام که لب به سخن می‌گشاید، از تکرار کلام موزون لذت می‌برد. تلاش کودکان در کاربرد واژه‌ها و عبارات‌های آهنگین و قافیه‌پردازی در گفتار روزمره آنان، از ویژگی‌های عمده زبان در سال‌های کودکی است. اهمیت این نکته هنگامی بیشتر به نظر می‌رسد که به تلاش آنان در آفرینش عبارات موزون توجه داشته باشیم که این نمایانگر استعداد و علاقه‌مندی آن‌ها در زمینه‌های خاص ادبی و کلامی است.

کودکان همچنین به شنیدن قصه‌ها و مشاهده فیلم‌های داستانی تمایل زیادی دارند. دقت نظر در حال و هوای کودک در لحظه‌های بحرانی و هیجانی (از داستان‌هایی که به آن گوش فرا داده یا فیلم‌های داستانی که به تماشایش نشسته‌اند) حاکی از جذابیت و تأثیر عمیق قصه و داستان بر این گروه سنی است.

شعر و سرود در دوران نوجوانی نیز از تأثیرات لازم برخوردار است. نوجوان به مطالعه داستان‌های عاطفی، اخلاقی و اجتماعی علاقه‌مند است؛ به‌خصوص داستان‌های متنوع ماجراجویی که ضمن ارضای حس کنجکاوی و ماجراجویی نوجوان و پاسخ دادن به برخی پرسش‌هایی که در ذهنش مطرح شده است، شور و تحرک خاصی به زندگی وی می‌بخشند. شعر و سرود علاوه بر جنبه‌های پرورشی و ارضای حس زیبایی دوستی و ذوق هنری، از تأثیرات درمانی نیز برخوردار است. نمایش نیز از سال‌های اولیه در زندگی کودک نقشی آشکار دارد. کودک از طریق بازی و نمایش و بازسازی صحنه‌های مورد نظر در افزایش مهارت‌ها و تکوین شخصیت خویش و رشد ابعاد مختلف آن نقشی فعال به عهده می‌گیرد.

کودکان در نمایش‌های خود به اشیاء جان می‌بخشند. با آن‌ها سخن می‌گویند: دختر خردسال به عروسک خود تحکم می‌کند، به تنبیهش می‌پردازد یا نوازشش می‌کند. پسر خردسال ماشین کوچک خود را سوار می‌شود و در عالم خیال به گردش می‌رود. در این گونه بازی‌هاست که شناخت و نگرش کودک به زندگی، برداشت او از محیط اطراف خود و نظر وی نسبت به دیگران نمایان می‌گردد و تمایلات و عواطف کودک، محدودیت‌ها و مشکلات و عوامل آزاردهنده روانش رخ می‌نمایند. چنین مواردی در بازی‌های کودکان و نمایش‌های شخصی آنان می‌تواند راهنمای مناسبی برای والدین، مربیان و مشاوران کودک باشد.

این مقاله به بررسی نقش هنر در پرورش خلاقیت و ارتقای سلامت روانی دانش‌آموزان می‌پردازد و هدف آن، نشان دادن پیوند میان مفاهیم کاربردی هنر، خلاقیت و سلامت روانی دانش‌آموزان در جهان امروز و مطرح ساختن راهکارهایی برای شکوفایی احساسات عالی انسانی و جلوگیری از رخوت فکری و مشکلات عاطفی و روانی است. از این رو، ابتدا به بررسی آثار پرورشی هنر از جمله ایجاد آرامش، خلاقیت و شکوفایی ارزش‌های انسانی و جایگاه و اهمیت هنر در نظام آموزش و پرورش به طور خاص می‌پردازیم. هنرهای تجسمی (طراحی و نقاشی)، ادبیات (شعر، قصه، داستان و...)، موسیقی، کارهای دستی (گل‌آرایی، گل‌کاری، منبت و...) و هنرهای نمایشی (سینما و تئاتر) در درک زیبایی طبیعت و شگفتی‌های زندگی، و به تبع آن بالا بردن قدرت درک دانش‌آموزان و قرار دادن آن‌ها در جریان رشد خلاقیت‌های ادبی و هنری نقش بسزایی دارند و نیز با ایجاد آرامش، باعث کاهش پربشانی‌های فکری و عاطفی و اختلالات روانی می‌شوند. ایجاد تعامل و هماهنگی و پی بردن به آداب و رسوم، ارزش‌های انسانی و... از دیگر آثار هنر در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان است. هنر را می‌توان یکی از کارآمدترین ابزار و روش‌های تربیت آدمی در عصر امروز به شمار آورد که نتایج و آثارش در ابعاد گوناگون، به‌ویژه در زمینه خلاقیت و سلامت روانی، از مهم‌ترین آن‌هاست. با توجه به اینکه هنر می‌تواند با در نظر گرفتن نیازهای عالی آدمی وی را به مراحل نهایی تکامل رهنمون گردد، ضرورت بهره‌گیری از آن در مدارس به منظور رشد خلاقیت و ارتقای سلامت روانی دانش‌آموزان بیش از پیش احساس می‌شود و از آنجایی که هنر مورد علاقه دانش‌آموزان است و جایگاه والایی در روش‌های تربیتی دارد، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار در خدمت آموزش و پرورش دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی قرار گیرد و اهداف کلی و غایی نظام تعلیم و تربیت را محقق سازد.

کلیدواژه‌ها: خلاقیت، هنر، سلامت روانی، نمایش روانی

رابطه هنر و روان‌شناسی

کودکان از سال‌های آغاز تولد در برابر صداهایی چون سرود و موسیقی به هیجان می‌آیند و اغلب نسبت به آن‌ها واکنش نشان می‌دهند. این واکنش

هنر را می‌توان یکی از کارآمدترین ابزار و روش‌های تربیت آدمی در عصر امروز به شمار آورد که نتایج و آثارش در ابعاد گوناگون، به‌ویژه در زمینه خلاقیت و سلامت روانی، از مهم‌ترین آن‌هاست

با توجه به اینکه هنر می‌تواند با در نظر گرفتن نیازهای عالی آدمی وی را به مراحل نهایی تکامل رهنمون گردد، ضرورت بهره‌گیری از آن در مدارس به منظور رشد خلاقیت و ارتقای سلامت روانی دانش‌آموزان بیش از پیش احساس می‌شود

کودک خردسال از حدود دو سالگی که قادر به ترسیم خطوط انفرادی بر روی کاغذ یا دیوار می‌شود، از مشاهده آنچه در ایجاد آن دخالت داشته است، لذت می‌برد. به تدریج، نقاشی کودک از مرحله خط‌خطی کردن و رسم خطوط مبهم به سطوح بالاتری رشد می‌یابد و حالتی آگاهانه‌تر و کامل‌تر به خود می‌گیرد. وی از طریق نقاشی سخن می‌گوید، به بیان افکار، عقاید و عواطف خویش می‌پردازد و نیازها، تمایلات، مشکلات و محدودیت‌های زندگی‌اش را بازگو می‌کند. از این رو از طریق نقاشی کودکان نیز می‌توان در تشخیص چگونگی رشد ذهنی، عقلانی و مشکلات عاطفی استفاده کرد و همچنین در ارتقای بهداشت روانی و درمان مشکلات روانی - عاطفی آن‌ها اقداماتی مؤثر به عمل آورد. (میرزاییگی، ۱۳۷۶: ۳۶)

هنر از مدت‌ها پیش مورد توجه روان‌کاوان و روان‌شناسان برجسته بوده و مطالعات و تحقیقات متعددی توسط آنان در خصوص بررسی حالات روانی هنرمند و تحلیل روان‌شناختی آثار هنری به عمل آمده است. فروید در طول فعالیت خود، آثار هنری متعدد در قالب شعر، نمایش و داستان را از دید روان‌کاوی مورد بررسی و تحلیل قرار داده و حاصل اولین تلاش‌های او در این خصوص، در کتاب «تعبیر رویا» ارائه شده است. پس از فروید روان‌شناسان متعددی از جمله بروئر، آدلر و یونگ به تحقیقاتی در زمینه روان‌شناسی هنری و تحلیل و بررسی آثار هنرمندان پرداخته‌اند. (معنوی و همکاران، ۱۳۶۳: ۲۳)

اهمیت آثار هنری نزد روان‌شناسان و روان‌کاوان به گونه‌ای است که یونگ برای هنرمند به‌عنوان هاتف و غیب‌گوی آنچه او ناخودآگاه جمعی مشترک می‌نامید، احترامی خاص قائل بود. هنر و روان‌شناسی به تدریج از تأثیرات متقابل سود جستند. نقش آثار هنری در روان‌شناسی را می‌توان در کاربرد آن جهت تحقیقات روان‌شناسی به‌عنوان نمونه‌های مناسبی در تبیین حالات و مکانیسم‌های خاص روانی و ناهنجاری‌های رفتاری ملاحظه کرد.

روان‌شناسی نیز در خلق آثار متعدد و سبک‌های خاص هنری نقش داشته است. چنانکه توجه نویسندگان را به خود معطوف داشته است و آن‌ها از آن تأثیر پذیرفته‌اند. از جمله تأثیرات روان‌شناسی در خلق آثار هنری، می‌توان به مواردی چون سبک جریان آزاد فکری یا تداوی آزاد در ادبیات به وسیله جیمز جویس و در نقاشی به وسیله تصویر اشیا با تکنیک کوبیسم (نقاشی‌های پیکاسو) و به وسیله انعکاس رؤیاهای زمان بیداری در سوررئالیسم (نقاشی‌های دالی) و عبارت‌پردازی‌های بی‌معنی توسط پیروان مکتب دادائیسم اشاره کرد. (معنوی و همکاران، ۱۳۶۳: ۱۲).

فروید فعالیت‌های هنری را مبتنی بر محرومیت‌های زندگی و امیال واپس‌زده می‌داند. وی از سببی اعتقاد دارد که لذت ناشی از ادبیات و هنر ناشی از رها شدن فشارها و تعارض‌های روانی فرد است و از سببی دیگر، نقش آفرینی هنری را در پلایش امیال سرکوفته، که با مخالفت‌های اخلاقی و اجتماعی روبه‌رو بوده است، به سوی هدف‌های اجتماعی برتر می‌داند. بنابراین، به باور او پلایش روانی ناشی از آفرینش آثار هنری، موجب رهاسازی هیجانات، تعدیل فشارهای روانی و آرامش هنرمند است. (همان: ۹).

رابطه هنر و سلامت روانی

سلامت و بهداشت روانی از دو جنبه «پیشگیری» و «درمان» نابسامانی‌های روحی، اختلالات عاطفی و ناسازگاری‌های رفتاری حائز اهمیت است.

بهداشت روانی مستلزم بهره‌گیری از شرایط، عوامل و روش‌های مناسب است که در این میان هنر و فعالیت‌های خلاقانه نقشی در خور توجه دارند. نقش هنر در حفظ سلامت روانی و پیشگیری از بیماری‌های روانی بر عواملی چون موارد زیر مبتنی است:

- پاسخ به نیازهای روانی کودک؛
- ایجاد شرایط مناسب جهت اشتغال به فعالیت‌های خلاقانه و هنری و بهره‌مندی از تأثیرات سازنده آن؛ در این خصوص می‌توان به پلایش روانی و کاهش فشارهای هیجانی در اثر بیان مشکلات اشاره کرد.
- کاربرد نقاشی، قصه، داستان و نمایش در تشخیص مشکلات عاطفی و نابسامانی‌های روانی، خصوصاً در روان‌درمانی کودک و نوجوان مورد تأکید قرار دارد؛ زیرا هنر شیوه‌ای مناسب برای بیان غیرمستقیم است. در مرحله درمان، کاربرد هنر از طرق مختلف انجام می‌شود و در رهاسازی هیجانات، کاهش فشارهای روانی، کسب بینش و بصیرت نسبت به خود نقشی سازنده دارد (میرزاییگی، ۱۳۷۶: ۹۶).

مشارکت کودک در بیان قصه و گفتن داستان‌هایی با زبان خودش، علاوه بر پرورش نیروی تخیل و قدرت خلاقیت وی، در تشخیص و درمان اختلالات روانی تأثیرات مناسبی دارد. به خصوص اینکه گاه کودک از این طریق به بحث‌های مستقیم و توضیح و تشریح مشکلات خود می‌پردازد.

از جمله عوامل مؤثر در نقش تربیتی و درمانی قصه می‌توان به مکانیزم‌های تلقین‌پذیری و همانندسازی اشاره کرد. کودک با شخصیت‌های مورد علاقه خود همانند می‌شود و از رفتارها و ویژگی‌های شخصیتی آنان نقش می‌پذیرد. شعر کودک همچون انواع دیگر هنر، عاملی کارآمد در شناخت نیازها، تمایلات، مشکلات، ناکامی‌ها و فشارهای عاطفی و روانی است. اشعار کودکان، همچون آینه شخصیت او را نمایان می‌سازد. در این آثار، علاوه بر وجود تأثیرات فرهنگی و شرایط اجتماعی و محیط زندگی، عواطف و هیجانات نقش بارزی دارد و تمایلات و نیازهای کودک جلوه‌های آشکار پیدا می‌کند. (میرزاییگی، ۱۳۷۶: ۱۰۳)

بازی‌های نمایشی از سویی بر تقلید، تلقین‌پذیری و همانندسازی کودک با بزرگ‌ترها مبتنی است و از سویی دیگر، تلاش کودک را در رهایی از محدودیت‌ها و فشارهای محیط بیان می‌کند و خواسته‌ها، تمایلات و توانایی‌های وی را آشکار می‌سازد.

پرداختن به بازی‌های هیجانی، نظر به ارضای نیازهای روانی و توأم بودن با تحرک بدنی می‌تواند از عوامل مفید در سلامت روانی محسوب گردد. (همان: ۱۰۴)

امروزه نمایش روانی (پسیکودرام) در روان‌درمانی گروه‌های مختلف سنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با استفاده از این روش، مراجع در بیان مشکلات عاطفی و نابسامانی‌های روانی خود، مقاومت کمتری نشان می‌دهد؛ چرا که بیان آن می‌تواند مستقیم نباشد و در قالب نمایش‌های آزاد انجام گیرد. این عامل، درمانگر را در تشخیص و درمان یاری می‌بخشد.

نقاشی و طراحی از مهم‌ترین عوامل در بیان مقاصد، افکار، عقاید و نیازهای درونی بشر محسوب می‌شود و از دیرباز مورد استفاده او قرار داشته است. اشتغال به این فعالیت خلاقه، اعم از آفرینش نقاشی یا کاربرد آن، می‌تواند علاوه بر پرورش حس زیبایی‌دوستی و ذوق هنری انسان، نقش مؤثری در رشد شخصیت، شناخت مشکلات و اختلالات روانی و درمان وی داشته باشد.

شناخت. (همان: ۱۰۸)

رابطه هنر و خلاقیت

در نقاشی‌های کودکان می‌توان اطلاعات مناسبی از ویژگی‌های شخصیت کودک به دست آورد. توانایی‌های ذهنی، ویژگی‌های عاطفی، ناکامی‌ها، فشارها و تمایلات درونی کودک را می‌توان از طریق نقاشی‌های او باز شناخت.

از ویژگی‌های دنیای کودک، خیال‌پردازی است که به گونه‌ها و اشکال مختلف صورت می‌گیرد چنانکه گاه زندگی کودکان بین واقعیت و خیال نوسان دارد. تخیل با گذشت سن کودک تغییرات محسوس پیدا می‌کند. نقش تخیل در دنیای کودک را می‌توان در بازی‌های نمایشی آن‌ها به خوبی مشاهده کرد. تمایل کودک به بازی‌های تخیلی موجب آن می‌شود که گاهی کودک یک مورد سیمبلیک را به نمونه اصلی آن ترجیح دهد (میرزابیگی، ۱۳۷۶: ۵۳). بازی‌های نمایشی و تخیلی علاوه بر نقش درمانی، در رشد ابعاد مختلف شخصیت تأثیر در خور توجهی دارند؛ از جمله می‌توان به رشد اجتماعی، تقویت اعتمادبه‌نفس و رشد قدرت تکلم کودک اشاره کرد. به علاوه، پرورش نیروی تخیل در کودکان در رشد ذهنی و پرورش قدرت خلاقیت و استعدادها هنری اهمیت ویژه‌ای دارد و در حل مسائل و مشکلات و انجام فعالیت‌های ابتکاری و ابداعات گوناگون می‌تواند مؤثر واقع شود. (همان: ۵۴)

هنر به کودکان امکان می‌دهد تا با کارهای عملی، «ساختن» و «طراحی کردن» را تجربه کنند و این خود موجب پرورش خلاقیت و نمونه‌سازی مشاهده‌ای مستقیم آنان می‌شود. (جان لنکستر، ۱۳۷۷: ۲۱)

رابطه هنر و نیازهای روانی

ادبیات و هنر وسیله‌ای مؤثر جهت پاسخ دادن به نیازهای روانی محسوب می‌شود. کودکان می‌توانند با بهره‌گیری از آثار هنری و شرکت در فعالیت‌های متنوع آن، به ارضای حس زیبایی دوستی و ذوق هنری و پرورش استعدادها و توانایی‌های مربوط به آن بپردازند و درونیات خود را به گونه‌ای آزاد و مطابق با میل درونی‌شان بیان کنند. همچنین کسب تجربیات لازم در زمینه‌های گوناگون هنری، مطابق با استعداد و علاقه‌مندی خود آنان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مثبت به «براز خود» بپردازند و توانایی و کارایی خویش را آشکار سازند. بدین ترتیب، مقبولیت فرد توسط دیگران به میزان چشمگیری افزایش می‌یابد و نیاز به «عزت نفس» و احساس ارزش آنان ارضا می‌شود. مشارکت و همکاری کودکان در ارائه یک نمایش یا سایر کارهای ادبی و هنری، وسیله‌ای مناسب برای ارضای تمایلات «تعلق به گروه» و تقویت روح تعاون و حس همکاری در آنان به شمار می‌رود. این عامل شرایط مناسبی جهت ابراز محبت متقابل و بهره‌گیری از محبت یکدیگر فراهم می‌آورد. علاوه بر این، آثار هنری موجب افزایش میزان دانش و اطلاعات، راهنمایی غیرمستقیم در حل مشکلات و آشکار نمودن نحوه نگرش نسبت به امور می‌شود. لذا هنر تأثیرات مطلوبی در نیازهای شناختی و پرورش ذهن و عقلانی فرد دارد.

آثار و فعالیت‌های هنری علاوه بر ارضای نیازهای روانی، در سلامت جسمی نیز می‌تواند مؤثر واقع شود و همچنین با معطوف ساختن توجه و انرژی روانی فرد در زمینه‌های سازنده‌ای چون فعالیت‌های خلاقانه ادبی و هنری، عامل سودمندی در تعدیل تمایلات جنسی انسان نیز باشد. (میرزابیگی، ۱۳۷۶: ۶۶)

نقش تربیتی هنر

بسیاری از صاحب‌نظران به جنبه تربیتی هنر معتقدند. به نظر آن‌ها، در حقیقت نه تنها کار، بلکه هنر هم می‌تواند بهترین نمایش دهنده درون انسان باشد (فرویل، ۱۹۴۰: ۶۷) و مسلماً نقش اساسی در رشد عاطفی و روانی او ایفا کند. شیلر هم به جنبه تربیتی هنر معتقد است و هم به جنبه شناسایی آن. در نظر او، انسان می‌تواند خود را با هنر مشغول دارد و در آن لحظه کاملاً

آمروزه نمایش روانی (پسیکودرام) در روان‌درمانی گروه‌های مختلف سنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با استفاده از این روش، مراجع در بیان مشکلات عاطفی و نابسامانی‌های روانی خود، مقاومت کمتری نشان می‌دهد؛ چرا که بیان آن می‌تواند مستقیم نباشد و در قالب نمایش‌های آزاد انجام گیرد. این عامل، درمانگر را در تشخیص و درمان یاری می‌بخشد

انسان باشد. وی درباره مقام هنر چنین می‌گوید: «از نظر فعالیت، زنبور عسل می‌تواند استاد تو باشد و از جهت زندگی کرمی می‌تواند معلم تو گردد، ولی هنر را تو ای انسان، تنها تو می‌توانی مالک باشی.» یعنی فقط انسان است که با خلق هنر می‌تواند به مقام انسانیت نائل گردد. (الهی، ۱۳۵۴: ۲۰۵)

نقش تربیتی هنر را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

الف) ایجاد آرامش: ارسطو اعلام کرد که «همه هنرها - از جمله نمایش - وسیله‌ای است برای تسکین آشوب‌های روانی و شنیدن آهنگ‌های موسیقی یا تماشای تابلوهای نقاشی یا حضور در صحنه تئاتر، سبب سبک‌باری و آرامش - یعنی کاتارسیس - می‌گردد.» (انصاری، ۱۳۶۸، ۲۰۵).

ب) توانایی پالایش روانی: در آموزش هنر، پس از طی یک دوران طبیعی با گذر سریع فرد از بازی‌های بی‌هدف به سوی مطالعه و کار هدفمند، همراه با آموزش بنیادین، هیچانی مداوم از رشد و توسعه شکل می‌گیرد (جونز و دیگران، ۱۳۶۶: ۱۵۵). علاوه بر این، قدرت انعطاف‌پذیری و تلطیف روحی افزایش می‌یابد. فروید می‌نویسد: «هنرمندان صاحب قوه و استعداد نیرومند تلطیف و پالایش‌اند و در واپس‌زدگی‌هایشان انعطاف‌پذیری دارند.» این انعطاف‌پذیری را که فروید از آن نام می‌برد، شاید بتوان به نیروی عظیمی تعبیر کرد که کودکان آن را در بالاترین حد دارند، اما بعدها در جهان ماشینی امروزی می‌آموزند که بی‌اعتنا از کنار زیبایی‌ها و شگفتی‌های مادی و معنوی بگذرند که نتیجه آن یا خلاقیتی مخرب همراه با آشفتگی‌های روحی و روانی و یا رخوت و سستی است. در حالی که با آموزش هنر می‌توان هم نیروی عظیم ابتدایی کودک را حفظ کرد و هم این نیرو و هیجان را در جهت صحیح هدایت کرد. (آل اسحاق، ۱۳۶۹: ۱۶۶).

پ) داشتن نقش اصلاحی: از آنجا که تمرکز فکر، توجه، دقت و یادگیری، حرکت کردن برخلاف طبیعت ضمیر آشکار است، تعلیم و تربیت بر مذاق ذهن ناگوار است و باید با ترفند و لطائف‌الحیل آن را رام کرد و زیر یوغ کشید. از سوی دیگر، هر نکته مستقیم و هر سخن اندرزگونه واکنشی تدافعی در کودکان، به‌خصوص کودکان نااهل و بزهکار، ایجاد می‌کند و روش غیرمستقیم، این حالت تدافعی را کاهش می‌دهد (جوزف آلبر، ۱۳۶۸: ۹۸). دکتر رجعی مظلومی می‌نویسد: «فرزند نااهل را تنها از راه ورزش و هنر (نقاشی، تئاتر، کارهای دستی) می‌توان به اصلاح آورد؛ زیرا در این‌ها هیچ درس صریح اخلاقی و انسانی نیست و عالی‌ترین موارد تعلیم و تربیت با همان دو درس ورزش و هنر به‌طور غیرمستقیم قابل ارائه هستند.» (مظلومی، ۱۳۶۴: ۱۱۴).

ت) شکوفایی ارزش‌های اصیل انسانی: احترام به دیگر انسان‌ها در وهله نخست مستلزم داشتن بینش و گرایش مطلوب نسبت به انسانیت و ارزش‌های اصیل انسانی است. ضروری است که ایجاد چنین نگرش و گرایشی از سال‌های آغازین کودکی، از طریق آثاری در خور فهم و متناسب با علائق کودکان دنبال گردد (محدثی، ۱۳۷۶: ۹۹).

هنر اسلامی از جمله هنرهایی است که این نقش مهم را به خوبی بر عهده می‌گیرد. «هنر اسلامی در جهت شناختن ابعاد گوناگون انسان و جنبه‌های مثبت و منفی و لحظات هبوط و عروج او، بینشی همه‌سویگر دارد و در عین حال که لحظه‌های سقوط انسان را می‌پذیرد، سعی در ارائه جلوه‌های متعالی



در نقاشی های کودکان می توان اطلاعات مناسبی از ویژگی های شخصیت کودک به دست آورد. توانایی های ذهنی، ویژگی های عاطفی، ناکامی ها، فشارها و تمایلات درونی کودک را می توان از طریق نقاشی های او باز شناخت

که دانش آموز در طول برنامه تحصیلی تنها یک بار یا حداکثر دو سه بار با آن ها برخورد می کند. (همان: ۵۴). ماکارنکو نیز در این باره می نویسد: وظیفه ما تربیت انسانی است که سرشار از احساسات عالی بشر برای انجام کارهای شگرف و فداکارانه باشد؛ انسانی که قهرمان دوران ما باشد نه ساده لوحی که دار و ندارش را بدهد و بعد از باب خودستایی بگوید، نگاه کنید چه آدم مطلوب و شجاعی هستیم! (ماکارنکو، ۱۳۷۰: ۱۲۵).

نقش هنرهای تجسمی (نقاشی) در تربیت

نقاشی و طراحی از مهم ترین عوامل در بیان مقاصد، افکار، عقاید و نیازهای درونی بشر محسوب شده است. «اشتغال به این فعالیت خلاقه اعم از آفرینش نقاشی یا کاربرد و استفاده از آن می تواند علاوه بر پرورش حس زیبایی دوستی و ذوق هنری انسان، نقش مؤثری در رشد شخصیت، شناخت مشکلات و نابسامانی های روانی و درمانی وی داشته باشد.» (میرزابیگی، ۱۳۷۶: ۱۰۸).

به خصوص، این امر در کم کردن مشکلات روحی و روانی کودکان بسیار مؤثر است. «در این زمینه، کودکان باید یاد بگیرند چگونه جزئیات را بشکافند که اگر آن ها این چیزها را با نقاشی ها نشان دهند، نتیجه تربیت آن ها و برداشت فکری شان نسبت به اشیا و دنیای خارج آشکار می شود و در نتیجه توانایی فکری آن ها، رشد و تکامل می یابد و قدرت در کشان قوی تر می شود.» (داداش زاده، ۱۳۵۶: ۱۷).

گرایش به سمت اجسام رنگی فقط در انسان ها دیده نمی شود، بلکه حتی حیوانات نیز نسبت به رنگ ها عکس العمل نشان می دهند. (آل اسحاق، ۱۳۶۹: ۷۲).

استروسکایا با ارائه مثال ششم از برخورد مربی کودکستانی با کودکان حین دیدن تابلو نقاشی سخن می گوید. او با تماشای دقیق این گونه تصاویر، و پرسش و پاسخ حین مشاهده حس زیبایی شناسانه را در کودکان برمی انگیزد.

نقش موسیقی در تربیت

استفاده از وسایل صوتی مانند رادیو، صفحه گرامافون، ضبط صوت، آزمایشگاه های زبان و غیره در آموزش شنیداری اطلاعات بسیار مؤثر است. (لویی پورشه، ۱۳۶۶: ۱۰).

البته غرض از نقش موسیقی در تربیت، تأثیرات خاصی است که موسیقی بر روان انسان می گذارد. شنیدن صدای گرم و دلنشین مادر بزرگ حین خواندن یک ترانه محلی در سکوت حاکم بر فضا دارای آثار تربیتی مطلوبی است. کودکان اغلب با شنیدن این اصوات و هماهنگ با آن، عروسک را تکان می دهند و زیر لب شعر را زمزمه می کنند. استروسکایا معتقد است که هنر موسیقی کودک را یاری می دهد که واقعیت ها را واضح تر درک کند و به نیک سیرتی، خیرخواهی و مهربانی روی آورد. در نتیجه، به نظر او وظیفه ما کمک به انسان های در حال رشد برای باز کردن در جهان زیبایی هاست. موسیقی بنا به محتوای خود سبب بروز عکس العمل های مثبت می شود: مثلاً گوش کردن به موسیقی در ترکیب لالایی های آرام و دلنشین سبب آرامش، شنیدن ترانه های محلی موجب تحرک و فعالیت، خواندن سرودهای ملی و میهنی مایه نشاط، و گوش دادن به موسیقی آرام و شاعرانه سبب آندوه

ذات انسانی دارد. نقش هنر اسلامی تعدیل غرائز و اعتلا بخشیدن به عواطف و هماهنگ ساختن این گونه شوق ها با ناموس خلقت و آهنگ هستی است نه پهای بیش از حد دادن به آن ها (شریعتمداری، ۱۳۷۴: ۱۰۸).

ث) ایجاد خلاقیت و اعتماد به نفس: یکی از نقش های اصلی هنر ایجاد و تقویت نیروی شگفتی و هیجان است که اگر با تلطیف و پالایش روحی همراه گردد، منجر به ایجاد خلاقیتی مثبت و سازنده خواهد گردید و از سویی، به تأمین نیازهای اساسی و روانی کودک، مانند نیاز به ابراز خود، کمک شایانی می کند. فرد از طریق به وجود آوردن اشکال مختلف هنری، افکار و عقاید و احساسات خود را ظاهر می سازد. از این راه قوه ابتکار نیز پرورش می یابد و این اعتماد به نفس و خلاقیت در تمام سطوح یادگیری نقشی مؤثر دارند. در میان صاحب نظران تعلیم و تربیت، نظرات بلوم در مورد نقش هنر در بالا بردن توانایی ها و مهارت های ذهنی قابل تأمل است.

بنجامین بلوم عقیده دارد تعداد بسیار کمی از معلمان فقط به بازده آموزشی می اندیشند و بقیه می کوشند تا دانش آموز فنون کلی روبه رو شدن با مشکلات را عملاً بیاموزد. بعضی از روان شناسان این جریان را تفکر انتقادی و جان دویبی و دیگران، آن را تفکر عمقی و حتی بعضی دیگر آن را حل مسئله نامیده اند. (بلوم، ۱۳۷۰: ۵۰).

بلوم اصطلاح توانایی و مهارت های ذهنی (هنرها) را به کار می برد. از نظر او توانایی ها، حاصل دانش به علاوه هنرها یا مهارت هاست. از نظر بلوم، «هنرها و مهارت ها فرایند ذهنی سازماندهی و بازسازی مورد نیاز برای رسیدن به منظوری معین را مورد تأکید قرار می دهند. توانایی های ذهنی ترکیبی از دانش، مهارت ها و هنرهای ذهنی است.» (همان: ۵۱).

وی معتقد است نقش توانایی ها و مهارت های ذهنی (هنرها) در درجه اول کارآمدی در یادگیری است؛ زیرا:

۱. توانایی ها و مهارت های ذهنی ارزش انتقالی بیشتر و کاربرد وسیع تری از دانش دارند.

۲. دلیل دوم کارآمدی توانایی ها و مهارت های ذهنی در یادگیری، دوام آن هاست. طبق نظریه یادگیری، از آن دسته از بازده های پرورشی که بتوان آن ها را به موقعیت های متفاوتی تعمیم داد و به کار گرفت، دوام بیشتری می توان انتظار داشت تا آن بازده های پرورشی که آن قدر جزئی و مشخص اند



می‌شود. با وجود این، طبق نظر بسیاری از محققان، در استفاده از موسیقی نباید افراط کرد و در انتخاب آن نیز باید دقت لازم را داشت. موسیقی به صورت آوازهای محلی در بسیاری از مناطق مرسوم است اما از آنجا که در خانواده‌های امروزی به نوع موسیقی و مدت‌زمان آن اکثراً توجه نمی‌شود، این امر سبب بروز نتایج منفی می‌گردد (استروسکایا، ۱۳۷۲: ۲۴۰).

شهیدمطهری در کتاب «تعلیم و تربیت در اسلام» موسیقی‌هایی را که موجب سبکی عقل می‌گردند، دارای قدرت عظیم و فوق‌العاده‌ای در جهت پاره کردن پردهٔ تقوا و عفت انسان می‌داند (مطهری، ۱۳۷۷: ۷۳) که کودکان نیز از این قاعده مستثنا نیستند. علاوه بر موسیقی، سرودها و آهنگ‌های پرمحتوا روح همکاری و هم‌صدایی را در کودکان زنده می‌کند و تمرینی عملی برای تعاون و وحدت و هماهنگی و پرهیز از تک‌روی است. (محدثی، ۱۳۷۶: ۱۹۲).

نقش ادبیات (داستان و شعر) در تربیت

خواندن قطعات ادبی، مانند شعر و داستان، با صدای بلند در خانواده‌های قدیمی مرسوم بوده است. در این خانواده‌ها، کودکان قسمتی از شعری را که حفظ کرده بودند، همراه با شخصی بزرگ‌تر یا به تنهایی زمزمه می‌کردند. البته «اگرچه ممکن است برخی از قسمت‌های این قطعات ادبی از نظر کودک نامفهوم باشد، ولی خوش‌آهنگی و شیوایی و روانی اشعار و زبان شاعرانه و پراستعاره آن‌ها سبب شکوفایی احساس عالی در کودک و آشنایی او با ظرافت‌های کلمات و سوق یافتن او به سوی خلاقیت‌های هنری و ادبی خواهد شد.» (استروسکایا، ۱۳۷۲: ۲۳۶).

شعر و داستان از دیدگاه اسلام قابل بحث و بررسی زیاد است. علامه امینی در «الغدیر» می‌گوید: «تأثیر شعر خوب و زیبا را بالاتر از هر دعوت و تبلیغی می‌یابی...» (محدثی، ۱۳۷۶: ۱۷۷).

حال اگر شعر به صورت سرود - که دارای آهنگ است - ارائه گردد، علاوه بر موارد مذکور روح هم‌فکری، همکاری، تعاون و وحدت را تقویت می‌کند. در هنر ایران به داستان و داستان‌سرایی به‌خصوص در دورهٔ اسلامی توجه زیادی مبذول شده و پیش‌زمینهٔ غنی اساطیری ایران نیز بر غنای آن افزوده است. (همان: ۲۵۵).

داستان نیز در تربیت کودک آثار مهم و ویژه‌ای دارد. اگر کودک از ابتدای زندگی با ادبیات و هنر آشنا گردد، در بزرگسالی انسانی دانش‌دوست و خوش‌مشراب و آشنا با فرهنگ خواهد شد. و ک‌بلینسکی با تأکید بر ضرورت آشنایی کودکان با بهترین نمونه‌های آثار کلاسیک می‌نویسد: «بگذارید گوش کودک به آهنگ زبان مادری مانوس شود و قلب او از احساس ظرافت و زیبایی لبریز گردد. بگذارید شعر نیز مانند موسیقی از طریق قلب و مغز کودک بر احساس او نفوذ کند تا بتواند در موقع خود الهام‌بخش او شود.» (استروسکایا، ۱۳۷۲: ۲۳۶).

علاوه بر این، «داستان سبب بیداری احساسات و پرورش فکری کودک می‌شود اما آن‌ها باید با مفاهیم ساده آغاز گردند.» هم‌زمان با استفاده از مفاهیم ساده، اگر داستان‌ها در قالب عاطفی پیاده شوند، تأثیر فوق‌العاده‌ای در روح انسان خواهند داشت (قائمی، ۱۳۷۰: ۲۲۰).

نقش کارهای دستی در تربیت

به‌طور کلی، کارهای دستی تمرین خلاقیت است و بیشتر از طریق جمع‌آوری اشیاء حاصل می‌شود. به نظر می‌رسد که میان فعالیت‌های مغزی و فعالیت‌های دستی مناسب نسبت معکوسی وجود دارد. طبق گفتهٔ آلفرد نورت وایتهد: «عدم استفاده از کارهای دستی، یکی از علل رخوت فکری آریستوکرات‌هاست.» (اسبورن، ۱۳۶۸: ۴۱).

کارهای دستی، حتی عملیات بدنی، بافندگی، گلدوزی، دوزندگی، نقاشی همه و همه در کودک اثر دارد؛ ناراحتی‌های حسی، فکری و عاطفی او را

برطرف می‌سازد، از هیجانانگش می‌کاهد، برای او آرامش می‌آورد و موجبات رشد شخصیت و اتکالی به نفسش را فراهم می‌کند. کارهای دستی خلاقیت فرد را افزایش می‌دهند؛ چون خود او هم طرح را به‌وجود می‌آورد و هم آن را اجرا می‌کند. این مطلب در مورد سبب‌سازی، تکه‌دوزی، منبت‌کاری، فلزکاری، مدل‌سازی و تعداد زیادی از کارهای دیگر صادق است. به همین ترتیب، تبدیل وسایل خراب و بی‌مصرف به اشیاء مفید تزیینی در خلاقیت بسیار مؤثر است. بسیاری از خلاقان بزرگ سرگرمی‌های خلاق داشته‌اند مانند ویکتور هوگو که هم اثاثیهٔ خانه می‌ساخت و هم آن‌ها را طراحی می‌کرد (قائمی، ۱۳۷۰: ۲۲۵).

نقش سینما و تئاتر در تربیت

تأثیر سینما و تولیدات آن بر فرایند تعلیم و تربیت کودک در جهان امروز بر کسی پوشیده نیست. کودک «جریان تلویزیون و سینما را با هیجان و احساس دنبال می‌کند، از طریق آن آداب و رسوم و سنت‌ها و طرز برخوردها را می‌آموزد، ارزش‌ها را یاد می‌گیرد و از ضوابط اخلاق اجتماعی آگاه می‌شود.» (همان: ۲۲۴).

در نگرشی وسیع‌تر، حج مسلمانان از دید روان‌شناسان یک تئاتر دسته‌جمعی است که قسمتی از زندگی حضرت ابراهیم و هاجر و اسماعیل را در برمی‌گیرد و پیام آن عشق و پرستش و ایثار و تسلیم انسان در برابر فرمان‌های خداست. محمد آل اسحاق ارائهٔ تئاترهای مفید (مثلاً تئاتری که نیروهای عقل و نیروهای شیطان را در برابر هم قرار می‌دهد) را روشی مؤثر برای ارائهٔ مفاهیم عقلی می‌داند. از نظر او، در فیلم جلوهٔ حیات و ظرافت‌های هنر بیشتر است و فیلم نسبت به سایر ابزارهای تربیت کارایی بیشتری دارد. منظور از فیلم هنری است که بتواند وجدان انسان‌ها و جامعه را شکل دهد و هدایت کند (آل اسحاق، ۱۳۶۹: ۶۰).

نقش گل‌کاری و گل‌آرایی در تربیت

گل‌کاری از هنرهای زیبا به‌شمار نمی‌آید ولی گل‌آرایی و پیوندهای تزیینی به نوعی حس زیبایی‌شناسی را تقویت می‌کنند. کودکی که با پدرش در گل‌کاری شرکت می‌کند و می‌کوشد گل‌ها را در یک ردیف معین بکارد تا در دورهٔ شکوفایی زیبا و منظم به نظر برسند، از رشد بُعد زیبایی‌شناسی برخوردار می‌شود. این عمل در تربیت فردی و اجتماعی او نیز نقش مهمی دارد؛ به این صورت که وقتی کودک به‌تدریج بی‌می‌برد که زیبایی نتیجهٔ تلاش انسان‌هاست و منظور از آفرینش آن مجذوب کردن همهٔ مردم است، به درکی عالی دست می‌یابد و این مقدمهٔ ورودش به دنیای خلاقیت‌ها می‌شود

بازی‌های نمایشی و تخیلی علاوه بر نقش درمانی، در رشد ابعاد مختلف شخصیت تأثیر در خور توجهی دارند؛ از جمله می‌توان به رشد اجتماعی، تقویت اعتماد به نفس و رشد قدرت تکلم کودک اشاره کرد

که در تعلیم و تربیت اهمیت بسزایی دارد. زیرا به نظر استروسکایا پرورش احساس زیبایی‌شناسی در کودک تنها تقویت درک و تشخیص زیبایی‌ها در او نیست، بلکه ایجاد میل به شرکت در جریان خلق زیبایی‌هاست. (استروسکایا، ۱۳۷۲: ۲۳۴).

ماکسیم گورگی، نویسنده مشهور روس، در نامه خود به پسرش می‌نویسد: «تو سفر کرده‌ای، ولی گل‌هایی که به دست تو کاشته شده‌اند، باقی مانده و رشد می‌کنند. زمانی که آن‌ها را نگاه می‌کنم، می‌اندیشم که پسر من چه یادگارهای زیبایی از خود به جا نهاده است. اگر در دوران زندگی خود نیز همواره و همه‌جا برای مردم یادبودهای نیک و زیبایی از افکار و اعمال و کردار خود به جا بگذاری، سالیان زندگی تو دلنشین و لذت‌بخش سپری خواهد شد... و این احساس تو را از روح عالی برخوردار خواهد کرد. همیشه به یاد داشته باش که هدیه دادن لذت‌بخش‌تر از هدیه گرفتن است.» (همان: ۲۳۵).

بحث و نتیجه‌گیری

هنر به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر و کارآمد تربیتی می‌تواند نقش بسیار ممتازی در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان کشور ایفا نماید بنابراین، شناسایی استعدادها و مختلف دانش‌آموزان و پرورش آن‌ها در مسیر صحیح و مطلوب، مسئولیتی است که مربیان و معلمان با استفاده از هنر می‌توانند به خوبی بدان بپردازند و با ارائه برنامه‌های جذاب هنری، دانش‌آموزان با علائق و سلیقه‌های متفاوت را جذب و در دستیابی آن‌ها به اهداف غایی تعلیم و تربیت کمک مؤثری کنند. با توجه به اینکه هنر می‌تواند نقش بسزایی در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان و ارتقای سلامت روانی آن‌ها در مدارس داشته باشد، پیشنهادهایی به شرح زیر برای استفاده کارشناسان، معلمان و مربیان مدارس ارائه می‌شود. به امید اینکه مفید واقع گردد و در آینده شاهد دانش‌آموزانی خلاق و برخوردار از سلامت روانی بالا باشیم.

۱. با توجه به نقش و اهمیت هنر در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان مدارس، بر بهره‌گیری مناسب از آن در روش‌های آموزشی توسط معلمان و مربیان توصیه می‌شود؛

۲. برنامه‌های هنری برای دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی در برنامه آموزشی هفتگی متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای سنی آن‌ها توسط صاحب‌نظران و کارشناسان ذی‌ربط تهیه و تدوین شود و جهت اجرا به مدارس ابلاغ گردد؛

۳. ایجاد و توسعه کارگاه‌های هنری در مدارس با توجه به علاقه‌مندی دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی به منظور غنی‌سازی اوقات فراغت آن‌ها خصوصاً در تعطیلات تابستان؛

۴. تشکیل نمایشگاهی از آثار هنری دانش‌آموزان در مدارس به مناسبت‌های گوناگون در طول سال تحصیلی به منظور تشویق دانش‌آموزان به فعالیت‌های هنری و خلاقانه؛

۵. سازماندهی فعالیت‌های پرورشی در مدارس ابتدایی با بهره‌گیری از قالب‌های متنوع هنری که بر جذابیت فعالیت‌های پرورشی بیفزاید.

۶. برگزاری مسابقات در رشته‌های مختلف هنری و تجلیل و تقدیر شایسته از برگزیدگان در مدارس؛

۷. آموزش منسجم و مستمر مربیان و معلمان مدارس در زمینه شناخت، بررسی و انتخاب آثار هنری ویژه کودکان و نوجوانان در قالب آموزش‌های ضمن خدمت؛

۸. ایجاد و توسعه مراکز برای شناسایی و پرورش استعدادها و هنری دانش‌آموزان دوره‌های دبستان و راهنمایی و متوسطه؛

۹. به‌کارگیری هنر در برنامه‌های درسی، از جمله در تنظیم محتوا و انتخاب روش‌های آموزشی و تربیتی مدارس؛

۱۰. نظرخواهی از دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی در زمینه ارائه برنامه‌های هنری؛

۱۱. هنر امروزی باید با توجه به نیازهای جامعه خود و نه در ارتباط با نیازهای جامعه‌های دیگر طراحی گردد؛

۱۲. با توجه به تأثیر هنرها در رشد شخصیت کودکان، پرورش قوه ابتکار و حس اعتماد به نفس آن‌ها، در کنار هنرهای زیبا دروسی چون گل‌کاری، گل‌آرایی، کار دستی و مدل‌سازی از سنین خردسالی در مدارس به‌طور جدی تدریس شود؛

۱۳. پاره‌های داستان‌ها حتی داستان‌های عارفانه (مثلاً داستان‌های هفت گنبد نظامی) یا اساطیر ایران باستان به زبانی ساده و قابل فهم برای بالا بردن هیجان، جذابیت و تحرک کلاس‌های درس در کتاب‌های درسی گنجانده شود؛

۱۴. اختصاص دادن زمان ویژه‌ای در ساعات درسی به بازخوانی ترانه‌ها و سرودهای بومی و محلی با آهنگ؛ مثلاً از ترانه‌های محلی برای تحرک و فعالیت بیشتر و از سرودهای ملی برای ایجاد نشاط استفاده شود.

۱۵. اختصاص دادن ساعات بیشتر به طراحی و نقاشی برای بالا بردن توانایی‌های فکری و رشد و تکامل خلاقیت در محیط آزاد (طبیعت).

منابع

۱. فروب؛ «تربیت انسان»، مجله هایدلبرگ، مقالات مربوط به تاریخ فلسفه، شماره ۳۵، ۱۹۴۰.
۲. الهی، محمودرضا؛ فلسفه هنر، تهران، انتشارات مدرسه عالی ورزش، ۱۳۵۴.
۳. انصاری، جابر؛ مردم‌شناسی و روان‌شناسی هنری، تهران، انتشارات اسپرک، ۱۳۶۸.
۴. جونز، ارنست و دیگران؛ رمز و مثل در روانکاوی، مترجم: جلال ستاری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۶.
۵. آل اسحاق، محمد؛ اسلام و روان‌شناسی؛ به همت حجت‌الاسلام محلاتی، شیراز و دیگران، قم، نشر روح، ۱۳۶۹.
۶. آلبر، جوزف؛ تأثیر متقابل رنگ‌ها، مترجم: عربعلی شروه، تهران، نشر نی، ۱۳۶۸.
۷. مظلومی، رجبعلی؛ کلیدهای تربیتی، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۶.
۸. محدثی، جواد؛ هنر در قلمرو مکتب، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.
۹. شریعتمداری، علی؛ رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۷۴.
۱۰. بلوم، بنجامین؛ طبقه‌بندی هدف‌های پرورشی، مترجم: علی‌اکبر سیف و خدیجه علی‌آبادی، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۰.
۱۱. معنوی، عزالدین و همکاران، هنر از دیدگاه روان‌پزشکی، تهران، انتشارات چهر، ۱۳۶۳.
۱۲. ماکارنکو، آنتون یمونویچ، انسان مری و نویسنده، چ هفتم، مترجم: ب کیوان، تهران، انتشارات شباهنگ، ۱۳۷۰.
۱۳. ل. ف. استروسکایا، تأثیر تعلیم و تربیت در شخصیت کودک، مترجم: نازلی اصغرزاده، تهران، نشر دنیای نو، ۱۳۷۲.
۱۴. میرزابیگی، علی؛ نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۵. داداش‌زاده، کاوه؛ نقاشی و دنیای بچه‌ها، تهران، انتشارات توکا، ۱۳۵۶.
۱۶. لویی پورش؛ به سوی آموزش شنیداری و دیداری، مترجم: پیروز سیار، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۶.
۱۷. مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چ ۳، ۱۳۷۷.
۱۸. قائمی، علی؛ زمینه تربیت، چ ۷، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۷۰.
۱۹. اسبجورن، الکس اس؛ پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت، مترجم: حسن قاسم‌زاده، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۶۸.
۲۰. جان نکستسر؛ هنر در مدرسه، مترجم: میرمحمد سعیدعباس‌زاده، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۷.